

عنوان: بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر الگوی فرایند موازی گسترده بر رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو

استاد راهنما: سرکار خانم دکتر مولود فرمهینی فراهانی اساتید مشاور: سرکار خانم دکتر سهیلا شمسی خانی

جناب آقای دکتر رستم جلالی

پژوهش و نگارش: محمد محمدی رشته تحصیلی: ارشد پرستاری داخلی جراحی

تاریخ دفاع: ۱۴۰۵/۳/۱۲

کاربرد:

با توجه به یافته‌های این پایان‌نامه، کاربرد اصلی آن در ارائه یک مداخله آموزشی عملی و ساختاریافته مبتنی بر الگوی فرایند موازی گسترده (EPPM) برای بهبود رفتارهای خودمراقبتی بیماران مبتلا به دیابت نوع دو است. نتایج نشان داد که این آموزش طی شش جلسه هفتگی، با تمرکز همزمان بر درک تهدید (حساسیت و شدت بیماری) و درک کارآمدی (خودکارآمدی و اثربخشی پاسخ)، توانست به طور معناداری میزان پایبندی بیماران به رژیم غذایی، فعالیت بدنی، پایش قند خون، مصرف منظم دارو، مراقبت از پا و ترک سیگار را افزایش دهد. بنابراین، پرستاران و مراقبان سلامت می‌توانند از این الگو در کلینیک‌ها و مراکز جامع سلامت به عنوان یک برنامه استاندارد و هدفمند برای توانمندسازی بیماران دیابتی و پیشگیری از عوارض طولانی‌مدت بیماری استفاده کنند.

چکیده

مقدمه و هدف:

دیابت نوع ۲ یکی از بیماری‌های مزمن شایع است که کنترل آن نیازمند رعایت رفتارهای خودمراقبتی شامل رژیم غذایی، فعالیت بدنی، پایش قند خون، دارودرمانی، مراقبت از پا و ترک سیگار می‌باشد. آموزش بیماران با استفاده از مدل‌های رفتاری می‌تواند نقش مؤثری در بهبود خودمراقبتی و کاهش عوارض دیابت داشته باشد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر الگوی فرایند موازی گسترده بر رفتارهای خودمراقبتی بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ بود.

مواد و روش ها:

این مطالعه یک تحقیق کاربردی با طراحی شبه‌آزمایشی پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. نمونه شامل ۹۲ بیمار مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه‌کننده به مرکز سلامت جامع شهری وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در بازه بهمن ۱۴۰۳ تا خرداد ۱۴۰۴ بود که به صورت تصادفی در دو گروه آزمون (۴۶ نفر) و کنترل (۴۶ نفر) تقسیم شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه خودمراقبتی بیماران دیابتی توبرت (۲۰۰۰) بود که پایایی و اعتبار آن پیش‌تر تأیید شده بود. گروه آزمون در شش جلسه هفتگی ۴۵ تا ۶۰ دقیقه‌ای تحت آموزش مبتنی بر الگوی فرایند موازی گسترده قرار گرفتند، در حالی که گروه کنترل آموزش‌های روتین دریافت کرد. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی، تی زوجی، تی مستقل، مان-ویتنی و کوواریانس تحلیل شدند.

یافته ها:

نتایج نشان داد که آموزش مبتنی بر الگوی فرایند موازی گسترده به طور معناداری میانگین نمره کلی و مولفه‌های خودمراقبتی شامل رژیم غذایی، فعالیت بدنی، پایش قند خون، دارودرمانی، مراقبت از پا و ترک سیگار را در گروه آزمون افزایش داد ($P < 0.05$). در مقابل، گروه کنترل تغییر معناداری در رفتارهای خودمراقبتی نشان نداد. تحلیل کواریانس نشان داد که اثر آموزش پس از کنترل متغیرهای مخدوش‌کننده نیز معنی‌دار باقی مانده است.

نتیجه گیری:

آموزش مبتنی بر الگوی فرایند موازی گسترده می‌تواند به عنوان یک مداخله هدفمند، عملی و ساختاریافته موجب بهبود رفتارهای خودمراقبتی بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ شود. استفاده از این مدل آموزشی در مراکز بهداشتی، طراحی برنامه‌های آموزش عملی و مرحله‌ای، ارائه محتوای چندرسانه‌ای و ابزارهای پیگیری دیجیتال برای بهبود پایبندی بیماران به رفتارهای خودمراقبتی توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: دیابت نوع ۲، خودمراقبتی، الگوی فرایند موازی گسترده، رفتارهای سلامت

Arak Nursing School

Student name: Mohammad Mohammadi

Supervisor: Dr Moloud Farmahini Farahani

Advisors: Dr Soheila Shamsikhani

Dr Rostam Jalali

Defense date: 2026/6/2

Title:

Investigating the effect of training based on The Extended Parallel Processing Model on self-care behaviors in type 2 diabetic patients

Abstract

Introduction: Type 2 diabetes is one of the common chronic diseases, the management of which requires adherence to self-care behaviors including diet, physical activity, blood glucose monitoring, medication therapy, foot care, and smoking cessation. Patient education using behavioral models can play an effective role in improving self-care and reducing diabetes complications.

Materials and Methods:

This study aimed to investigate the effect of education based on the Extended Parallel Process Model (EPPM) on self-care behaviors of patients with type 2 diabetes. This was an applied study with a quasi-experimental pretest-posttest design with a control group. The sample consisted of 92 patients with type 2 diabetes attending an urban comprehensive health center affiliated with Kermanshah University of Medical Sciences from February 2025 to June 2026 (Persian calendar: Bahman 1403 to Khordad 1404), who were randomly divided into an intervention group (n=46) and a control group (n=46). The data collection tool was the Toobert Diabetes Self-Care Inventory (2000), whose reliability and validity had been previously confirmed. The intervention group received six weekly 45–60 minute sessions of education based on the EPPM, while the control group received routine care. Data were analyzed using SPSS version 22, employing descriptive statistics, paired t-test, independent t-test, Mann-Whitney U test, and ANCOVA.

Results:

The results showed that EPPM-based education significantly increased the mean total score and subscales of self-care behaviors including diet, physical

activity, blood glucose monitoring, medication therapy, foot care, and smoking cessation in the intervention group ($p < 0.05$). In contrast, the control group showed no significant change in self-care behaviors. ANCOVA analysis indicated that the effect of education remained significant after controlling for confounding variables.

Conclusion:

EPPM-based education can be a targeted, practical, and structured intervention to improve self-care behaviors of patients with type 2 diabetes. The use of this educational model in health centers, the design of practical and phased training programs, the provision of multimedia content, and digital follow-up tools are recommended to improve patient adherence to self-care behaviors.